

آیا کتاب مقدس تحریف شده است؟

آرمان رشدی

در شماره گذشته، بحثی داشتیم در خصوص مسأله الهام در کتاب مقدس. حال که بحث به کتاب مقدس و الهام کشیده، بجاست که موضوعی را در همین راستا مطرح کنیم که برای ما ایرانیان بسیار مهم است و آن، موضوع تحریف کتاب مقدس می باشد. شاید کسی بگوید که "من می پذیرم که کتاب مقدس را خدا الهام کرده؛ اما این کتاب در طول تاریخ، دستخوش تغییر و تحریف شده و اصالت و اعتبار خود را از دست داده است." در این مقاله، مختصراً به شرح این مسأله می پردازیم.

آیا واقعاً کتاب مقدس تحریف شده است؟

برای پاسخ به این سؤال، می توان از جنبه منفی، سؤال دیگری مطرح کرد: "آیا دلیل و سندی وجود دارد که ثابت کند کتاب مقدس تحریف شده است؟" اغلب کسانی که می گویند کتاب مقدس تحریف شده، خود شخصاً تحقیق و تأملی در این خصوص نکرده اند و این مطلب را از دیگران شنیده اند. بعضی نیز ممکن است به دو دلیل متوسل شوند. ایشان یا کتاب مقدس را مغایر با عقاید و اعتقادات خود می یابند و نتیجه می گیرند که این کتاب نمی تواند صحیح باشد، یا به برخی اشکالات و تناقض های ظاهری در بعضی از قسمت های کتاب مقدس اشاره می کنند. اما از آنجا که این تناقض ها و اشکالات ظاهری در پرتو تفسیر صحیح کتاب مقدس قابل پاسخگویی می باشند، طبیعی است که بگوییم هیچیک از این دو دلیل برای اثبات تحریف کتاب مقدس کافی و منطقی نمی باشد.

اما از جنبه مثبت، دلایل بسیاری وجود دارد که ثابت می کنند کتاب مقدس اصالت خود را حفظ کرده است. نخستین و مهم ترین دلیل، این است که اگر کتاب مقدس را خدا عطا کرده تا از طریق آن، انسان رستگاری ابدی را بیابد، خود او نیز بر حفظ آن نظارت می کند. اعتقاد به تحریف کتاب مقدس، به طور غیرمستقیم به این معنی است که خدایی که کلامش را برای رستگاری بشر عطا کرده، توانایی کافی برای حفظ آن را ندارد و اجازه می دهد کلامش به دست اشخاص نااهل بیفتد و تحریف شود. آیا اساساً چنین فرضی درست است؟

آیا کلام خدا اینقدر برای او بی ارزش است؟ آیا خدا نسبت به کلام خود اینقدر بی تفاوت است؟ به عبارت بهتر، باید گفت که اعتقاد به تحریف کتب آسمانی، در واقع کفر به خداست.

اصالت و اعتبار عهدعتیق

علاوه بر غیرتی که خداوند نسبت به حفظ کلام خود دارد، او همواره مردانی را داشته و دارد که در این زمینه غیور بوده‌اند. به عنوان مثال، حضرت موسی که اولین کسی بود که کلام خدا را به صورت نوشته دریافت کرد، در حفظ آن بسیار غیور و متعصب بود و نمی‌توان پذیرفت که آن مرد خدا، اجازه تحریف کلام خدا را داده باشد. جانشین او، حضرت یوشع نیز به اندازه موسی به کلام خدا علاقه داشت و عشق می‌ورزید. در ابتدای رسالتش، هنگامی که می‌خواست قوم اسرائیل را در مقام جانشین موسی رهبری کند، خدا به او فرمود: «این کتاب تورات از دهان تو دور نشود، بلکه شب و روز در آن تفکر کن تا بر حسب هر آنچه در آن مکتوب است، متوجه شده، عمل نمایی» (یوشع ۱: ۸). به این ترتیب، می‌توان یقین داشت که تورات در زمان موسی و یوشع نمی‌توانسته تحریف شده باشد.

بعد از روزگار این دو مرد خدا نیز همواره کاهنان و انبیای خداترسی بوده‌اند که نسبت به تورات عشقی وافر داشته‌اند. نمی‌توان تصور کرد که همه کاهنان و انبیا در یک زمان، به فساد کشیده شده‌اند و متحداً تصمیم به تحریف تورات گرفته‌اند. مهم‌تر از این این است که قوم اسرائیل و برخی از کاهنان ایشان، وقتی از تورات و کتب انبیا ناطاعتی می‌کردند، انبیا همواره با اشاره به تورات، ایشان را توبیخ می‌کردند و آنان را به اطاعت از تورات فرامی‌خواندند. اگر کسی تورات را تحریف کرده بود، این انبیای خداترس حتماً در پیام و کتاب خود، به این موضوع اشاره می‌کردند.

مهم‌تر از همه اینکه خود خداوند ما عیسی مسیح، تورات و صحف انبیا را به طور کامل تأیید فرمود و خود را تحقق بخشنده آنها می‌دانست. اگر تورات و کتب انبیا در دوره‌ای پیش از ظهور مسیح تحریف شده بود، حتماً مسیح آن را تذکر می‌داد. رسولان خداوند ما مسیح نیز با نقل قول از عهدعتیق، بر درستی و اعتبار آن صحه گذاردند.

نکته بسیار مهم این است که در حدود سال ۱۹۴۷، در یکی از غارهای دریای مرده در فلسطین، طومارهایی کشف شد که متعلق به قرن اول پیش از میلاد می‌باشند. این طومارها

شامل تمام کتب عهدعتیق به غیر از کتاب استر هستند. مطالعه این طومارها نشان داد که متنی که امروز از عهدعتیق در دست ماست، عیناً آن متنی است که لااقل تا قرن اول پیش از میلاد موجود بوده است. به این ترتیب، با تأییدی که خداوند ما مسیح بر عهدعتیق گذارد و کشف این طومارها که متعلق به دوره پیش از ظهور اوست، این یقین حاصل می شود که عهدعتیق موجود عیناً همان متنی است که توسط موسی و انبیا نوشته شده است.

اصالت و اعتبار عهدجدید

کتب عهدجدید در زمان رسولان مسیح نوشته شد و بلافاصله در تمام خاورمیانه، اروپا و شمال آفریقا انتشار یافت و تکثیر شد. حال، اگر کسی ادعا کند که عهدجدید تحریف شده، باید بتواند بگوید که چه کسی آنها را تحریف کرده است. آیا رسولان؟ مسیح خود کتابی نوشت، در نتیجه، رسولان نمی توانستند نوشته های او را تحریف کنند. اما آیا می توان تصور کرد که رسولان نوشته های خود را تحریف کرده باشند؟ شاید کسی بگوید که نوشته های رسولان را دیگران بعد از مرگ ایشان تحریف کردند. در جواب باید گفت که کتب عهدجدید که نوشته رسولان مسیح است، چه در زمان خود ایشان و چه بعد از ایشان به طور گسترده در نقاط مختلف نسخه برداری و تکثیر شد؛ بسیار غیرمنطقی است که تصور کنیم تمام رهبران مسیحیت، در تمام نقاط جهان، در یک لحظه، متحداً تصمیم گرفته باشند که انجیل را تحریف کنند. اگر کسی در یک نقطه ای دست به چنین کاری می زد، طبیعتاً روزی بقیه متوجه این مسأله می شدند و موضوع برملا می شد. تازه، نسخی که از قرون اولیه مسیحیت در نقاط مختلف بدست آمده، همه یکسان و مشابه هستند.

تحریف با چه انگیزه ای؟

به غیر از همه اینها، سؤالی که پیش می آید این است که اساساً چه انگیزه ای برای تحریف کتاب مقدس می توانسته وجود داشته باشد؟ معمولاً گفته می شود که رهبران مسیحیت کتاب مقدس را تحریف کردند تا اعمال نادرست خود را توجیه کنند. اگر کسی بخواهد برخلاف احکام کلام خدا رفتار کند، نیازی ندارد آن را تحریف کند؛ کافی است آن را به گونه ای وارونه تفسیر کند. مگر در تمام طول تاریخ کلیسا، رهبرانی نبوده اند که برخلاف دستورات انجیل رفتار کرده اند؟ آیا آنها انجیل را تحریف کردند؟ یا وقتی در قرن یازدهم و دوازدهم، کلیسا برخلاف دستور مسیح، اقدام به جنگهای صلیبی کرد، آیا فرمایش مسیح

را در مورد محبت به دشمن و بخشش ایشان، تحریف کرد؟ نه! دستور مسیح در جای خود محفوظ بود و مردم برخلاف آن عمل می‌کردند.

انسان وقتی در مقابل پیام انجیل قرار می‌گیرد، یا باید آن را بپذیرد، یا آن را رد کند. آنانی که آن را رد می‌کنند، دلایل مختلفی می‌آورند. مسأله تحریف کتاب مقدس یکی از این دلایل است. «اما هرگاه کسی پیام انجیل را رد می‌کند، علت اصلی این است که تاریکی را بیشتر از روشنی دوست می‌دارد» (یوحنا ۳: ۱۹-۲۱). «واقعیت پرشکوه این است که کلام خدا زنده و مقتدر است و قادر است به تمام کسانی که در مقابل آن فروتن می‌شوند، حیات جاوید عطا کند و این حیات در پسر خدا، عیسای مسیح است» (اول یوحنا ۵: ۱۱). آمین.